

مادی، پیامبرگمنام ایرانی

علی ربیع زاده - دبیر آموزش و پرورش دامغان



چین شناخته شد و در کشورمان ایران نیز در ناحیه‌ی سغد، در طی قرن‌ها، دین مانویّت حکومت می‌کرد. این دین حتا تا اروپا نیز نفوذ کرد و پیروانی در آلمان، انگلیس و فرانسه (کاتارها) برای خود پیدا کرد. مانی کیش خود را بر مبنای آموزه‌های زرتشت و بودا و مسیح بنا نهاد و خود را فارقلیط یا منجی‌یی معرفی می‌کرد که حضرت مسیح مژده‌ی آمدنش را داده بود. او کیش خود را برترین کیش‌ها و خود را از حواریون مسیح و برترین و آخرین پیامبران به حساب می‌آورد. گفته می‌شود که مانی دارای هفت کتاب دینی بوده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: **شاپورگان، غولان، انجیل مانی، گنج زندگان، رازان و مکاتیب** که متأسفانه به جز اندکی از آن‌ها، همه از بین رفته‌اند.

مانویّت اساساً آیینی دوگانه‌پرست بود و به دو اصل جاودانی نور و تاریکی اعتقاد داشت که همواره در حال جنگ با یکدیگر هستند. در کیش مانی یک فرد زاهد باید از همه‌ی لذات دنیوی چشم‌پوشد. او باید همه‌ی ثروت خود را بین بینوایان تقسیم کند و تنها به اندازه‌ی یک وعده‌ی غذایی برای خود کنار بگذارد. او باید از ازدواج خودداری کند و تنها به عبادت خدا بپردازد و در سال باید یک ماه را روزه بگیرد و همچنین در هر ماه نیز دو روز را به صورت پیوسته (۴۸ ساعت) روزه گرفته و غذایی نخورد و از خوردن گوشت نیز باید پرهیز کند.

البته منع ازدواج و قوانین سخت، تنها برای روحانیان مانوی بود و عموم مردم حق داشتند که تا یک همسر انتخاب کنند و وظایف آسان‌تری برعهده داشتند. برای نمونه، عموم پیروان مانی موظف بودند که در شبانه‌روز چهار بار نماز (با وضو) بخوانند (صبح، ظهر، غروب و شب) و یک‌دهم اموال خود را ببخشند و سالی سی روز و در هر هفته یک روز (یک‌شنبه) روزه بگیرند و در روزهای دوشنبه نیز به گناهان خود اعتراف کنند.

منابع: ۱- **مانی و سنت مانوی**، نوشته‌ی فرانسوا دکره، ترجمه‌ی عباس باقرل، تهران، نشر و پژوهش فرزنان روز، ۱۳۸۰. ۲- **آیین گنوسی و مانول**، ویراسته‌ی میرچا الیاده، ترجمه‌ی دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۳. ۳- **مانی به روایت ابن ندیم**، متن عربی، ترجمه‌ی فارسی محسن ابوالقاسمی، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۷۹. ۴- **اصل و نسب دین‌های ایران باستان**، نوشته‌ی عبدالعظیم رضایی، تهران، نشر هروی، ۱۳۷۴.

□ در شماره‌ی ۶ **ماهنامه‌ی حافظ**، مقاله‌ی از استاد ایرج افشار درباره‌ی مانی پیامبر ایرانی چاپ شد. لازم به توضیح است که مانی در حدود سال ۲۱۶ میلادی، در شهر بابل از مادری به نام میس (یا اوتاخیم) و پدری به نام پاتگ (فتگ) زاده شد. پدرش از اهالی همدان بود که به شهر بابل کوچ کرده بود و مادرش از تبار شاهزادگان اشکانی بود. پدر مانی از معتسله بود. او در بیست و چند سالگی به همراه پدر و دو تن از شاگردانش از فرقه‌ی معتسله جدا شد و به سفر پرداخت.

مانی نخست به تیسفون مسافرت کرد و سپس از آن‌جا راهی هند شد که این مسافرتش دو سال به طول کشید. در سفر بازگشت از هند، به فارس و میسان و سرزمین مادها و پارت‌ها رفت، ولی نتیجه‌ی چندان‌ی از مسافرت خود ندید. پس به نزد شاپور شاه ساسانی، رفت و آیین خود را برای او شرح داد، شاپور گفته‌های مانی را پذیرفت (ظاهراً) و مانی از او درخواست کرد که به پیروانش اجازه بدهد تا دین خود را آزادانه تبلیغ کنند و به عبادت بپردازند.

شاپور، مانی را بسیار گرامی می‌داشت و مانی کتاب دینی خود **شاپورگان** را به وی تقدیم کرد، گفته می‌شود مانی در لشکرکشی شاپور به روم که منجر به اسارت والرینوس (امپراتور روم) شد، شرکت داشته است.

با حمایت شاپور، کیش مانویّت روزه‌روز گسترش می‌یافت تا جایی که پیروان زیادی در مصر و عراق و فارس و ماوراءالنهر پیدا کرد.

اما روزگار خوش مانی به درازا نکشید، چرا که با درگذشت شاپور، فرزند بزرگش هرمز به تخت نشست که یک‌سال پیش‌تر حکومت نکرد و پس از او بهرام اول به تخت نشست. در هنگام پادشاهی بهرام، موبدان زرتشتی که از نفوذ آیین مانویّت در ایران به وحشت افتاده بودند، به همراهی کرتیر (پیشوای موبدان) به نزد بهرام آمدند و با ذکر دلایل فراوانی از او خواستند که مانی را از بین ببرد. بهرام در برابر استدلال آن‌ها قانع شد و مانی را به دربار فرا خواند و او را به زنجیر کشیده و در سیاهچال انداخت. مانی پس از ۲۶ روز درد و رنج در زندان، در روز دوشنبه ۲۶ فوریه‌ی ۲۷۷ میلادی، در سن شصت سالگی از بین رفت. پس از مرگش، سرش را از بدن جدا کردند و بر دروازه‌ی شهر آویختند.

پس از مرگ مانی، دین مانویّت فراز و نشیب‌های متعددی را طی کرد. این دین برای مدتی به‌عنوان دین رسمی ترکان اویغور